



ابتلای سالانه ۳۵۰۰ کودک به سرطان

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله از ابتلای سالانه ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ کودک به بیماری سرطان در کشور خبر داد. به گزارش ایلنا، حسن ابوالقاسمی، فوق تخصص خون و سرطان کودکان در پاسخ به این سوال که چندین سال پیش اعلام کرده بودید سالانه ۲۵۰۰ کودک در کشور به سرطان مبتلا می‌شوند، اکنون این آمار چگونه است؟ گفت: «متأسفانه ما سیستم ثبت اطلاعات جامع و کاملی نداریم که براساس آن بتوانیم دقیق صحبت کنیم. برخی آمارها در مؤسسه محک تهیه می‌شود، برخی دیگر در وزارت بهداشت، اما این آمارها دقیق نیستند. با این وجود، ما براساس تجربیات سال‌های اخیر تخمین می‌زنیم که سالانه بین سه تا سه هزار و ۵۰۰ کودک مبتلا به سرطان به بیماران ما اضافه می‌شوند. این آمار با آمارهای جهانی تطابق دارد و خوشبختانه در مراکز مختلف کشور، متخصصان همانولوژی کودکان تربیت و توزیع شده‌اند و کودکان مبتلا در سراسر کشور تحت درمان قرار می‌گیرند.»



اظهار نظر درباره حادثه معدن طبس ممنوع

دادستان کل کشور با توجه به حادثه معدن طبس گفته است که باید منتظر نتیجه و اظهار نظر قضایی بازپرس باشیم، تا آن زمان هیچ فردی مجاز به اظهار نظر نیست، چون تخصص این کار را نداریم. به گزارش تسنیم، محمد کاظم موحدی آزاد ادامه داد: «بازپرس ویژه، اسناد و مدارک را جمع‌آوری می‌کند و بخش‌هایی که نیاز به نظر کارشناسی است را ارجاع می‌دهد، بازپرس هم براساس نظرات کارشناسان نظر قضایی خواهد داد.» او ادامه داد: «تا اکتید کردیم رسیدگی به پرونده معدن طبس با دقت تسریع شود و اقدامات حمایتی از خانواده فوت‌شدگان و مصدومان نیز با پیگیری مدیران اجرایی و قضایی انجام شده است. بخشی از مبالغ پرداخت شده و بخش دیگری را قفل دادند به زودی و قبل از صدور رأی قطعی از سوی شرکت بیمه پرداخت شود.»



ویژگی سوش‌های جدید کرونا

رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی درباره سوش‌های جدید کرونا، همچنین همپوشانی آن با آنفلوآنزا و سرماخوردگی هم‌زمان با فصل سرما توضیح داد. به گزارش ایسنا، علیرضا زالی با بیان اینکه تغییرات اکولوژیک در فصل سرد سال حاصل می‌شود، گفت: «به‌واسطه تغییرات اکولوژیک فصل سرد سال، تغییرات متناسب برای سوش‌های سرما دوست فراهم می‌شود و این سوش‌ها می‌توانند از فرصت استفاده کنند و سبب افزایش بیماری‌های تنفسی شوند. با بیماری‌های تنفسی به‌طور معمول و به‌صورت سنواتی در موسم پاییز و زمستان به‌ویژه بیماری‌های ویروسی که شایع‌ترین نوع بیماری‌های تنفسی هستند، مواجه می‌شویم.» زالی همچنین به ادامه صحبت‌هایش درباره کرونا ویروس نیز با بیان اینکه اخیراً سوش‌های جدیدی از خانواده «امیکرون» در سطح جهانی مواجهیم، گفت: «هم‌پوشانی ویروس خانواده امیکرون با ویروس آنفلوآنزا و سایر ویروس‌های توان‌داده امیکرون با ویروس آنفلوآنزا و افراد با تست مثبت کرونا و بیماران نیازمند به بستری به‌دلیل ابتلا به کرونا به‌تازگی در سطح جهان افزایش یافته است؛ هر چند میزان مرگ‌ومیر ناشی از ابتلا به کرونا مانند امواج قبلی و سال‌های گذشته نیست، اما نرخ ابتلا به بیماری بیشتر است.»

روایتی از حقایق ناگفته ساکنان آرامستان دولاب دیدار با مشاهیر در شرق

نه نوه وینستون چرچیل و نه معشوق محمدرضا شاه در آرامستان دولاب دفن نیستند



عکس ها: مهنا زوی زاده

دانسته‌اند. این در حالی است که گیلدا نه از نظر زمانی و نه از نظر سنی، هیچ ارتباطی با شاه وقت ایران نداشته است.

دیدار با جولیا آن اولیور سمعی گشت و گذار در آرامستان دولاب، مثل شنیدن قصه‌های ناتمام ای ورق زدن یک رمان طولانی است. کمی آن طرف‌تر از آرامگاه خانوادگی «آقایان»، جولیا آن اولیور سمعی آرمیده است؛ زنی که با آموزش زبان اشاره فارسی در مدت کوتاه زندگی اش، قاعده زندگی را برای آن‌ها که ناگزیرند به نشنیدن، تغییر داد.

جولیا که در سال ۱۳۱۲ به دنیا آمده بود حالا سال‌هاست که به همراه دو فرزندش در گورستان دولاب دفن شده؛ علت مرگ او را روزنامه اطلاعات وقت، سقوط هواپیمایی دانسته که با وجود خلبان ماهری که سکان‌دار آن بوده، انگار محکوم به سقوط بوده است.

جولیا سمعی، فرزند توماس ویلیام اولیور و فرانسیس کریستن دیکن، در دانشگاه ایالتی کانزاس با سیروس سمعی آشنا شد، با او ازدواج کرد و در سال ۱۳۳۶ زمانی که تنها ۲۴ سال داشت به ایران آمد و بعد از آشنایی با «ثیمینه باغچه‌بان» به انجمن ناشنوایان پیوست. او عمرش را در مسیر حمایت از کودکانی گذاشت که نه می‌توانستند حرف بزنند، نه صداها به گوش‌شان راهی می‌یافتند. او الفبای دستی فارسی را در سال ۱۳۵۴ ابداع و کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره فارسی را برای ناشنوایان تأسیس کرد. ثیمینه باغچه‌بان به او لقب «بانوی زبان اشاره فارسی» داده است و حدود یک‌دهه پیش درباره او گفته است: جولیا نمی‌میرد. جولیا با خدمتی که به جامعه ناشنوایان کرد، همیشه زنده است.

مستندساز مشهور فرانسوی رفت و هلیکوپترش به‌جا ماند

کوبرهای مصر و مرنجاب، بادگیرهای یزد و کوچه‌های آنتی کنانش، تخت جمشید و نقش جهان؛ بر فراز همه ایران پرواز کرد و مستندی کم‌نظیر با دوربینی در میان ابرها ساخت: «باد صبا».

آلبرت لاموریس فرانسوی، یکی از مشهورترین مستندسازهای جهان که عمرش آنقدر بلند نبود که بتواند حتی نسخه نهایی مستندی را که درباره‌ی ایران ساخته بود ببیند هم اینجا آرمیده است. در میانه آرامستان دولاب.

۵۵ سال پیش، لاموریس در حالی که با هلیکوپتر و خلبان مخصوص شاه و پسرش در حال فیلمبرداری از سد کرج در اطراف تهران بود، به‌دلیل برخورد بالگرد با کابل‌های مخصوص تمرین تکاوران، جان خود را از دست داد. او پیش از این حادثه از بیشتر شهرهای ایران با دوربینش در آسمان فیلمبرداری کرده بود.

پاسکال پسر آلبرت اما زنده ماند و بعدها روایتگر داستان پدرش شد تا «باد صبا» در یادها بماند و حتی در سال ۱۹۷۸ میلادی نامزد جایزه اسکار شود.

هلیکوپتر این قصه اما هنوز که هنوز است در بالای سد کرج معلق است تا یادمانی باشد برای مستندسازی که برای نمایش ایران به جهان، جانش را از دست داد و از او یک گور در محله دولاب تهران و چندین فریم ماندگار باقی ماند.

گورهای جمعی آوارگان لهستانی

درگیری‌های شوروی با لهستان، آلمان با لهستان و

و سناتوری. بعد از مرگ فلیکس، عده‌ای از دوستانش، خاکسترش را مخفیانه به ایران آوردند و در کوشکی در خیابان سرهنگ سخایی پخش کردند. کوشکی که در یکی از زمین‌های پدر فلیکس قرار داشت و هنوز در خیابان سخایی و در اختیار بازماندگان خانواده آقایان است.

روی سنگ مزار بعد از مزار فلیکس در آرامگاه آقایان نوشته‌اند: ایو اسدبهدار. ایو، نام مادر همسر فلیکس آقایان است. پژوهش‌های کیوان میرکی نشان می‌دهد که فلیکس همسر دورگه‌ای به‌نام نینو داشته که از دوستان بسیار صمیمی اشرف پهلوی در دوران کودکی او بوده است. پدر نینو اسدالله‌خان اسدبهدار، رئیس تشریفات دربار رضاشاه و دیپلمات ایرانی و از رجال انتهایی دوره قاجار و دوره پهلوی بود که در فاصله سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۸ عهده‌دار مناصبی چون سفیر ایران در روسیه، لهستان، فرانسه و سوئد شده بود و حالا سال‌هاست که ایو، مادر نینو هم اینجا آرمیده است. گیلدا و مانو - فرزندان نینو و فلیکس - هم در این مقبره خانوادگی دفن شده‌اند و بررسی جرائد آن روزها نشان می‌دهد که احتمالاً علت جوانمردگی آن‌ها مصرف بیش از حد مواد مخدر بوده است.

گیلدا آقایان یکی از معروف‌ترین نام‌ها در آرامستان دولاب است که برخی رسانه‌ها، او را معشوق محمدرضا پهلوی



آرامگاه آلبرت لاموریس، مستندساز مشهور فرانسوی

ماتده امینی

روزنامه‌نگار

آرامستان اسرارآمیز شرق تهران از سال ۱۸۵۵ میلادی، کارش را با پذیرش جسد بی‌جان ارنست کلوکه، پزشک ناصرالدین‌شاه قاجار آغاز کرده و آخرین مهمانش را در سال ۱۴۰۰ دریافت کرده است؛ ماریا بایدن، آخرین بازمانده از آوارگان لهستانی.

میان خانه‌های یک محله معمولی و روزمره‌گی‌های آدم‌هایش، بیش از هزار نفر به آرامی در این گورستان خوابیده‌اند. قبرها را از این آدرس می‌شود پیدا کرد: خیابان رضایی تاجری که از خیابان پاسدار گمنام در شرق تهران جدا می‌شود. قبرها با معماری متفاوت، با نشانی از مردگانی که از سال‌های دور اینجا خوابیده‌اند، توجه را همان اول کار به خود جلب می‌کنند. مردان، زنان و کودکانی که از آلمان، انگلستان، آمریکا، آرژانتین، ارمنستان، اتریش، بلژیک، لهستان، فرانسه، یونان، عراق و کشورهای دیگر با داستان‌های منحصر به فردشان، به زیر خاک محله دولاب رفته‌اند یا یادی از آن‌ها در ردیف این گورها جاری است.

نام‌های آشنایی از دوره قاجار روی سنگ‌ها حکاکی شده‌اند: کنت دومونت فرت اولین رئیس پلیس تهران، دکتر تولوزان و دکتر کلوکه از پزشکان ناصرالدین‌شاه؛ نام‌هایی به ماندگاری موسیو آلفرد لومر، موسیقی‌دان فرانسوی، سازنده‌ی اولین سرود ملی ایران.

داستان این گورها، سر درازی دارد و سال‌ها درباره‌شان قصه‌ها گفته شده؛ قصه‌هایی که بعضی‌شان با اطلاعات نادرست گره خورده‌اند و اشتباه روایت شده‌اند.

مجموعه گورستان‌های دولاب در محله دولاب تهران، بزرگ‌ترین مکان دفن لهستانیان مهاجر در دوران جنگ جهانی دوم هم است. از پنج بخش تشکیل شده و وسعت آن به ۷۵ هزار مترمربع می‌رسد؛ آرامستان مسیحیان ارتدوکس، آرامستان ارمنه گریگور، آرامستان کاتولیک‌ها و آوارگان لهستانی، آرامستان ارمنه کاتولیک و آشوریان کلدانی. در قسمت کاتولیک‌های این گورستان، هزار و ۹۲۷ گور وجود دارد که ۴۰۹ گور آن منتسب به سربازان و ۵۲۸ گور آن مربوط به افراد غیرنظامی است. گورها و سنگ‌هایی که داستان‌ها، اشک‌ها و سوگ‌های بسیاری را در خود نگه داشته، با خود به امروز آورده و حتماً به فرداها هم خواهد سپرد. از شرق تهران تا دوردست خاطره‌ها و یادها.

«گیلدا» معشوق محمدرضا شاه نبود

آرامگاه خانوادگی نسبتاً بزرگی در آرامستان دولاب، همان ابتدای ورود به چشم می‌خورد؛ دو قبر کنار هم و یک قبر با فاصله از دو قبر دیگر. کیوان میرکی، پژوهشگر و تهران‌شناس می‌گوید که اینجا قبر خانوادگی «آقایان» است: «درباره این قبر خانوادگی، شایعات و دروغ‌های بسیاری گفته شده است اما واقعیت این آرامگاه با آنچه در همه این سال‌ها شنیده‌ایم تفاوت بسیاری دارد.»

روی قبرها نوشته‌اند: ایو اسدبهدار، گیلدا آقایان و مانو آقایان. فلیکس آقایان دوم اسفندماه ۱۲۹۴ به دنیا آمده و پیش از انقلاب اسلامی، در دربار شاهنشاهی، سمت‌ها و مقام‌های بسیاری را تجربه کرده بود؛ از نمایندگی در مجلس شورای ملی در ایران تا رئیس فدراسیون کوهنوردی